رزمنده دزفولی در گفت‌وگو با «جوان» از مقاومت مردم این شهر می‌گوید

همه مردم دزفول رزمنده بودند

■ علیرضا محمدی

غالباً رسم بود وقتی رزمنده‌ای به جبهه می‌رفت، از اطرافیانش حلالیت می‌طلبید. می‌رفت به جایی که احتمال شهادت و جانبازی چند برابر بود، اما برای رزمنده‌های دزفولی قضیه برعکس بود؛ وقتی که می‌خواستند از مناطق جنگی به شهرشان برگردند، از همرزمانشان حلالیت می‌طلبیدند! دزفول در زمان جنگ چیزی از خط مقدم کم نداشت. میزان بمب‌ها، راکت‌ها و موشک‌هایی که به این شهر کوچک اصابت کرد، از برخی مناطق عملیاتی بیشتر بود. لذا با این که رزمنده دزفولی می‌دانست که در بازگشت به شهرش از یک منطقه جنگی به منطقه جنگی دیگری خواهد رفت، در کنار کودکان، بزرگسالان و پیرزن و پیرمردهایی که هشت سال تمام دوشادوش رزمنده‌ها مردانه ایستادند و مقاومت کردند. در آستانه چهارم خرداد، روز مقاومت و روز دزفول، گفت‌وگویی با محمدرضا شریفی‌نسب یکی از رزمندگان دزفولی انجام داده‌ایم تا از جعبه سیاه ایستادگی و مقاومت مردم دزفول رمزگشایی کنیم.

شریفی نسب در دوران دفاع مقدس

دزفول یکی از شهرهای خوزستان است که فاصله زیادی از مرز دارد، مرکز این استان هم نیست. پس چرا بعثی‌ها در طول جنگ توجه خاصی به این شهر داشتند و مرتب آنجا را بمباران می‌کردند؟

دزفول گلوگاه خوزستان است. استانی که در زمان جنگ بیشترین هجمه به آن صورت گرفت و دشمن بیشترین فشار را برای تصرف این استان نفت‌خیز انجام داد. بعثی‌ها می‌خواستند خوزستان را از ایران جدا کنند و برای این کار باید گلوگاه استان را تصرف می‌کردند. درواقع موقعیت جغرافیایی دزفول طوری بود که اهمیت فوق‌العاده‌ای به این شهر کوچک می‌بخشید. درصورتی که عراق به دزفول دست می‌یافت، ارتباط خوزستان با سرزمین مادری‌اش ایران قطع می‌شد. اگر از بُعد پدافند غیرعامل نگاه کنیم، دزفول در مجاورت سه رودخانه بزرگ کشور -کارون، دز و کرخه- قرار داشت. هر دشمنی که بخواهد به خوزستان ورود کند، باید از این سه رودخانه بگذرد و اگر موفق بشود، دیگر چیزی جلودارش نیست. لذا حساسیت دشمن به دزفول چنین دلایلی داشت. با بمباران وحشیانه سعی می‌کرد مردم را از شهر فراری بدهد و مانع پشتیبانی آنها از خطوط مقدم جبهه بشود، اما مردم دزفول تا پایان جنگ ایستادگی کردند.

قاعدتاً مردمی که هشت سال تمام زیر سنگین‌ترین بمباران‌ها مقاومت کردند از بنیان‌های فکری و عقیدتی خوبی برخوردار بودند؟

دزفول از قدیم به دارالمؤمنین شهرت دارد. خودم در کودکی شاهد بودم که این شهر کوچک در عین واحد چندین حوزه علمیه داشت. چند مرجع تقلید همزمان در شهر سکونت داشتند و به تدریس می‌پرداختند. دزفول از سالیان گذشته به عنوان نقطه ترانزیت بین حوزه‌های علمیه قم و نجف مطرح بود. علمایی که بین این دو شهر رفت‌وآمد می‌کردند معمولاً در دزفول توقف داشتند و گاهی این توقف طولانی می‌شد. خب می‌دانید که دزفول یکی از خوش آب و هواترین شهرهای خوزستان است و این امر مزید بر علت می‌شد تا علمای بیشتری در این شهر سکونت پیدا کنند. از همین‌جاست که می‌بینیم در این شهر بزرگانی چون شیخ مرتضی انصاری معروف به خاتم‌الفقها و المجتهدین ظهور می‌کند. با چنین پیشینه‌ای دزفول به عنوان یک شهر مذهبی خودش را معرفی می‌کند. مراسم مذهبی در این شهر کوچک به طور باشکوهی برگزار می‌شود. مثلاً مراسم روز عاشورا در دزفول مثال‌زدنی است. از طرفی مساجد این شهر فعالیت گسترده‌ای دارند. سابقه جلسات قرآن در برخی از این مساجد به چند دهه قبل برمی‌گردد.

گویا دزفول با آن سابقه مذهبی‌اش، فعالیت انقلابی پرشوری هم داشت؟

می‌خواهم یک نکته‌ای را مطرح کنم که شاید قبلاً جایی گفته نشده باشد. تاریخ انقلاب را که مرور می‌کنیم، می‌بینیم بعد از شهادت سیدمصطفی خمینی فرزند بزرگوار حضرت امام، جرقه‌های قیام مردمی زده شد تا اینکه با چاپ مقاله‌ای موهن در روزنامه اطلاعات که ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ منتشر شد، مردم قم روز ۱۹ دی تظاهرات گسترده‌ای انجام دادند. بعد در چهلم شهدای قم، تبریز قیام کرد و بعد همینطور شهرهای دیگر تظاهرات برگزار کردند. اما درحقیقت ۲۰ روز قبل از آنکه مردم تبریز قیام کنند، این مردم دزفول بودند که روز ۲۶ دی ماه ۱۳۵۶ تظاهرات گسترده‌ای در تراز انقلاب اسلامی انجام دادند. آن روز که مصادف با هفتم محرم بود، یک روحانی به نام حاج آقا آل اسحاق از قم آمده بود تا در یکی از مساجد دزفول سخنرانی کند. اما مأمورها مانع حضور مردم در محل سخنرانی شدند. چون زمینه‌های قیام علیه ظلم طاغوت در بین مردم وجود داشت، ناگهان تظاهرات گسترده‌ای در سطح شهر به راه افتاد که از جنوب غربی دزفول تا شرق و شمال این شهر گسترش یافت و دو ساعت طول کشید. در بین راه هم مردم به همه آنچه مظاهر طاغوت می‌دانستند مثل بانک‌ها و سینماها و... حمله کردند. ایادی رژیم آنقدر شوکه شده بودند که نتوانستند اقدام چندانی مقابل موج مردم انجام دهند. فقط چند نفری دستگیر شدند. بعد از آن روند انقلاب کمابیش در دزفول ادامه یافت تا اینکه انقلاب به پیروزی رسید.

درخصوص مقاومت مردم در دفاع مقدس ما یکسری چهره‌های شاخصی را می‌بینیم که نماد شهر شدند و مردم را به ایستادگی تشویق می‌کردند؛ آیت‌الله قاضی دزفولی یکی از آنها بود.

بله، ایشان از روحانیون تراز اول در استان خوزستان و بلکه در سطح کشور بودند. طی جنگ تحمیلی دو چهره شاخص روحانی در سطح استان خوزستان می‌بینیم که یکی آیت‌الله جمی در آبادان و دیگری آیت‌الله قاضی در دزفول است. آیت‌الله قاضی تا لحظه فوتشان در شهر و کنار مردم ماندند و همین حضورشان قوت قلبی برای اهالی دزفول و رزمندگان بود.

خود شما به عنوان یک دزفولی حتماً در خلال جنگ صحنه‌های عجیبی از بمباران دشمن دیده‌اید؟

اجازه بدهید این سؤال شما را با تعریف یک خاطره پاسخ بدهم؛ بنده این توفیق را داشتم که قبل از شروع رسمی جنگ در منطقه ایلام حضور داشته باشم. جنگ را ماقبل جنگ تجربه کردم و بعدها طی دفاع مقدس در مناطق مختلف جنگی حضور داشتم و شاهد وقایع بسیاری بودم. در تمام این مدت از حضور در هیچ‌کدام از مناطق جنگی نترسیدم؛ اما یک بار که برای مرخصی از خط مقدم به دزفول برگشته بودم، همزمان رادیو بغداد اعلام کرده بود شهر را مورد هجوم قرار خواهد داد. دفعات قبلی بمباران دشمن ناگهانی صورت می‌گرفت و این بار اعلام کرده بودند شهر را می‌کوبند. اغلب اهالی برای حفظ جانشان دزفول را موقتاً ترک کرده بودند. به روستاها یا مناطق اطراف پناه برده بودند. من که بی‌خبر از این ماجرا بودم، به شهر وارد شدم. همه جا را سکوت دلهره‌آوری برداشته بود. این آرامش پیش از طوفان آنچنان خوفی در دلم انداخت که هیچ‌وقت در هیچ کجای جبهه‌ها تجربه‌اش نکرده بودم.

یک نکته‌ای که درخصوص رزمنده‌های دزفولی وجود دارد و شما هم به آن اشاره کردید این است که آنها نه تنها در خط مقدم جبهه که در شهرشان هم با خطر روبه‌رو بودند.

اتفاقاً چند وقت پیش در یک مراسم رزمنده‌ای سخنرانی می‌کرد. در بین حرف‌هایش اشاره کرد که بچه‌های خوزستان نزدیک خانواده‌هایشان بودند و این مزیتی برای آنها بود. بعد از ایشان، من پشت تریبون قرار گرفتم و گفتم زمان جنگ هر رزمنده‌ای که می‌خواست به جبهه برود از همه حلالیت می‌گرفت، اما برای رزمنده‌های دزفولی قضیه برعکس بود. ما هروقت می‌خواستیم به شهرمان برگردیم از همه حلالیت می‌طلبیدیم؛ چراکه در خود دزفول امکان جانبازی و شهادت بیشتر از جبهه‌ها بود. برای این حرفم مثال شهید مجید نونچی را زدم. ایشان رئیس ستاد گردان عمار و از قدیمی‌های جبهه و جنگ بود. در یک مقطعی چون متأهل بود و کاری برایش پیش آمده بود می‌خواست به دزفول برگردد. فرمانده یکی از تیپ‌های لشکر ۷ از من خواست که با حفظ سمت، مسئولیت آقای نونچی را برعهده بگیرم. من هم پذیرفتم و برگه مرخصی نونچی را امضا زدم. پیش خودم فکر می‌کردم دارم به ایشان لطف می‌کنم. نمی‌دانستم که نونچی دارد به طرف مشهدش می‌رود. وقتی مجید به دزفول برگشت، همان شب یک موشک به خانه‌شان اصابت کرد و ایشان به همراه خانواده‌اش به شهادت رسیدند. شهید نونچی چند سال در جبهه حضور داشت و اتفاقی برای ایشان نیفتاده بود، اما وقتی به دزفول برگشت نه تنها خودش که خانواده‌اش هم به شهادت رسیدند.

> تعداد رزمنده‌های اعزامی از شهر دزفول از تمامی شهرهای خوزستان و حتی اهواز بیشتر بود. معمولاً دزفول بیشترین اعزام را داشت و سپس بهبهان یا اهواز در مکان‌های دوم یا سوم قرار می‌گرفتند. دزفول شاید تنها شهر کوچکی باشد که مرکز استان نیست، ولی طی جنگ یک تیپ مستقل داشت و نیروهای کادر این تیپ را تأمین می‌کرد

صحبت از رزمنده‌های دزفولی پیش آمد. گویا دزفولی‌ها حضور گسترده‌ای هم در جبهه‌های جنگ داشتند؟

اگر چند نفر باشند که بتوانند مستند به این سؤال شما پاسخ بدهند، من یکی از آنها هستم. دلیل حرفم این است که در یک مقطع طولانی‌مدت بنده مسئولیت تعاون تیپ ۷ ولیعصر(ع) را برعهده داشتم و بعد از آن هم یکی از مسئولان تعاون سپاه ششم امام جعفر صادق(ع) شدم. اعزام نیروها دست تعاون بود. طی این سال‌ها همیشه شاهد بودم که تعداد رزمنده‌های اعزامی از شهر دزفول از تمامی شهرهای خوزستان و حتی اهواز بیشتر بود. معمولاً دزفول بیشترین اعزام را داشت و سپس بهبهان یا اهواز در مکان‌های دوم یا سوم قرار می‌گرفتند. دزفول شاید تنها شهر کوچکی باشد که مرکز استان نیست، ولی طی جنگ یک تیپ مستقل داشت و نیروهای کادر این تیپ را تأمین می‌کرد. تیپ ۷ ولیعصر(عج) را بچه‌های دزفول پایه‌گذاری کردند. این تیپ که بعدها تبدیل به لشکر شد، در طول دفاع مقدس حضور مؤثری در جبهه‌ها داشت. البته از سایر شهرهای استان خوزستان هم نیروهای بسیجی یا پاسدار به این تیپ می‌آمدند، اما کادر اصلی این لشکر همواره از بچه‌های دزفول بود که از جمله پای کارترین رزمندگان دفاع مقدس به شمار می‌رفتند.

دزفول در دفاع مقدس بیشترین بمباران‌ها و حملات دشمن را تحمل کرد؛ اگر می‌شود آماری از شهدا و بمباران‌های شهر ارائه بدهید.

در طول جنگ شهر کوچک دزفول بارها توسط موشک‌های ۱۲ متری و ۹ متری دشمن مورد حمله قرار گرفت. گلوله‌های توپ و راکت هواپیماهای دشمن آماری جداگانه دارند. تنها در یکی از این حملات موشکی ۲۳ نفر از اعضای یک خانواده به شهادت رسیدند. تنها یک نفر از این خانواده زنده ماند که او هم در خط مقدم جبهه حضور داشت! این مورد هم باز تأییدی بر همان صحبتی است که عرض کردم خیلی وقت‌ها حضور در دزفول خطرات بیشتری نسبت به شهر داشت. طی حدود ۲۷۰۰ روز جنگ شهر دزفول ۲۶۰۰ شهید، ۴ هزار جانباز و ۵۰۰ نفر آزاده داده است. در بین این شهدا از کودک چند روزه گرفته تا پیرمردی که نزدیک به ۱۰۰ سال داشت، دیده می‌شود. درواقع تمام مردم شهر دزفول رزمندگانی بودند که از کیان ایران اسلامی دفاع می‌کردند.

جمعی از رزمندگان دزفولی

گزارش

تمجید رسانه‌های خارجی از مقاومت مردم دزفول در دفاع مقدس

■ احمد محمد تبریزی

نام دزفول در دوران دفاع مقدس تنها برای ایران و عراق آشنا نبود، بلکه دیگر کشورهای منطقه این شهر را به واسطه موشک‌هایی که به تن شهر می‌نشست و جان و روح مردمانش را زخمی می‌کرد، می‌شناختند. کشورهای حوزه خلیج فارس به دزفول «بلد الصواریخ» یعنی «شهر موشک‌ها» می‌گفتند و روزی نبود که خبری از بمباران شهر از سوی رسانه‌ها مخابره نشود. با وجود تمام سختی‌ها و فشارهای دشمن، دزفول قهرمانانه مقاومت کرد تا در تقویم‌ها روزی به نام روز مقاومت، روز دزفول ثبت شود.

بمباران دزفول از اولین روزهای جنگ شروع شد، اما موشکباران این شهر در سال‌های بعدی با شدت بیشتری انجام گرفت. ساعت ۱۵:۳۵ روز ۱۸ آذرماه سال ۱۳۶۱ دو فروند موشک زمین به زمین به دو نقطه پرجمعیت دزفول اصابت و بیش از ۲۰۰ منزل مسکونی و مغازه را ویران، ۶۲ نفر را شهید و ۲۸۷ نفر را مجروح کرد. پس از این بمباران نام دزفول بر سر زبان‌ها افتاد و شرح مقاومت‌هایش در میان مردم پیچید.

> دزفول در طول جنگ تحمیلی ۱۷۲ بار توسط انواع موشک‌های ۳ متری و ۹ متری اسکاد B ساخت شوروی، ۲۵۰۰ بار توسط توپ و ۳۰۰ بار مورد حملات هواپیماهای دشمن قرار گرفت و در این حملات بیش از ۱۹ هزار واحد مسکونی تخریب شد ولی استوار به مقاومت خود ادامه داد

دشمن شکست‌خورده در دو عملیات بزرگ فتح‌المبین و الی بیت‌المقدس ناامیدانه به دنبال ضربه زدن به ایران بود. رژیم بعثی عراق، هر بار که در رویارویی مستقیم با رزمندگان در میادین نبرد، شکست می‌خورد برای جبران ضعف‌ها و همچنین اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران، شهرها و مناطق مسکونی را موشکباران و بمباران می‌کرد و در همین راستا، در روز ۲۸ آذر ۱۳۶۱، دزفول برای چندمین بار هدف یورش بی‌رحمانه موشکی رژیم بعث عراق قرار گرفت.

اگرچه قبل از این جنایت، هواپیماهای عراقی بارها شهرهای ایران را بمباران کرده بودند اما حمله به دزفول، نخستین حمله در ابعاد گسترده به وسیله موشک‌های زمین به زمین بود. دزفول در نقطه سوق‌الجیشی و استراتژیک که به عنوان گلوگاه خوزستان و کلید فتح خوزستان و ایران به شمار می‌رفت، قرار گرفته بود و با تخلیه و اشغال دزفول رابطه خوزستان با تهران و صدور نفت و گاز و دیگر فرآورده‌های صنعتی و نفتی و کشاورزی قطع می‌شد و درنتیجه ایران شکست می‌خورد. نظامیان عراق بارها اعلام کرده بودند که هدفشان این است مردم شهر را تخلیه کنند؛ ولی هیچ‌گاه موفق نشدند. سران رژیم بعث یک هدف دیگر از بمباران متعدد دزفول داشتند؛ آنها می‌خواستند با بمباران و موشکباران شهرها به‌ویژه شهر دزفول، با از بین بردن زیرساخت‌های اقتصادی و ناامن کردن شهرها، به مردم ایران بگویند که از مقاومت دست بردارید. اما هیچ کدام از این اهداف در طول هشت سال جنگ به وقوع نپیوست تا دزفول به الگویی برای مقاومت و پایداری تبدیل شوند.

مردم شهر علاوه بر اینکه رزمندگانشان را به جبهه‌ها می‌فرستادند، خودشان نیز به پشتیبانی از جبهه‌ها می‌پرداختند. درِ خانه‌های مردم به روی رزمندگان باز بود و با بخشندگی تمام پذیرای رزمندگان می‌شدند. نیروهای سپاهی، بسیجی و ارتشی هرگاه وارد شهر می‌شدند جنب‌وجوش را در شهر و مردم می‌دیدند و از اینکه زندگی در دزفول جریان دارد، روحیه می‌گرفتند. دزفول محل عبور رزمندگان بود و اگر شهر خالی و سوت‌وکور می‌شد رزمندگانی که از شهر عبور می‌کردند یأس و دلمردگی بر آنها حاکم می‌شد. با مقاومت دزفول چراغ امید در دل رزمندگان روشن می‌شد.

شهر دزفول در دوران دفاع مقدس شهری نمونه در همه ابعاد بود. مردم در این شهر یک مؤلفه، استراتژی و تاکتیک را به نمایش گذاشتند و توانستند در زیر توپ زندگی و به‌سرعت نسبت به بازسازی مناطق تخریب شده اقدام کنند.

پس از مقاومت مثال‌زدنی مردم این شهر بود که خبرگزاری‌های جهان لب به تحسین گشودند. یکی از رسانه‌های خارجی در همین خصوص گفته بود: «شهری که تنها یک بیمارستان و یک جراح دارد با تمام قوا ایستاده است و مقاومت می‌کند.»

دزفول در طول جنگ تحمیلی ۱۷۲ بار توسط انواع موشک‌های ۳ متری و ۹ متری اسکاد B ساخت شوروی، ۲۵۰۰ بار توسط توپ و ۳۰۰ بار مورد حملات هواپیماهای دشمن قرار گرفت و در این حملات بیش از ۱۹ هزار واحد مسکونی تخریب شد ولی استوار به مقاومت خود ادامه داد و حسرت خالی کردن شهر به دست مردم را بر دل صدام و ارتش بعث عراق گذاشت.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۶۵۸

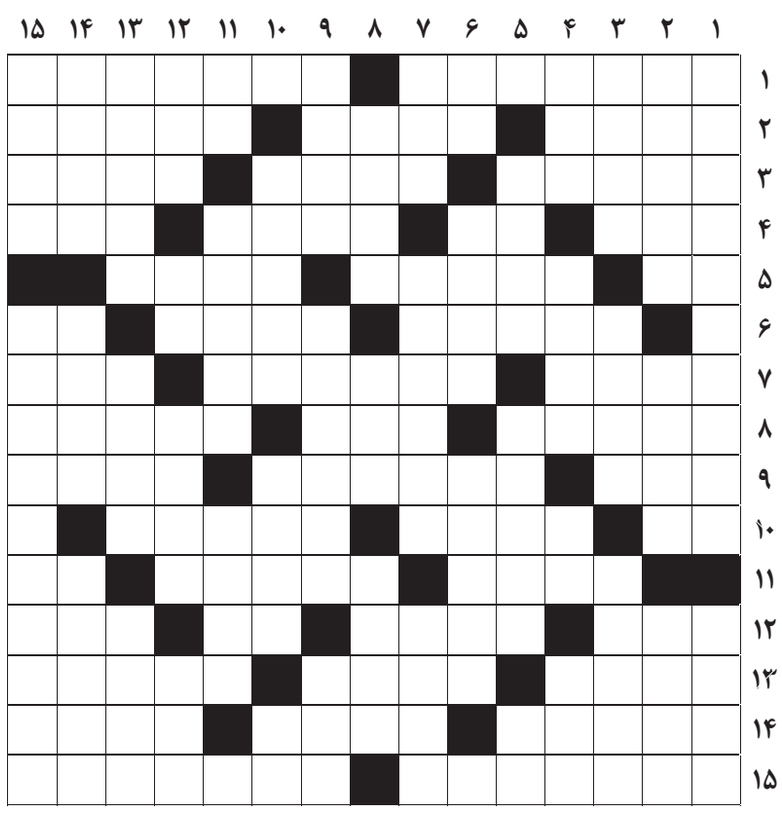

از راست به چپ

■ ۱- بیماری کم‌خونی ارثی- سرمایه اولیه و اندک ■ ۲- فرمانده- دعای شب جمعه- پس از درگذشت حزقیل نبی به پیامبری رسید ■ ۳- شایستگی- بنده- آشیانه عقاب ■ ۴- تو در زبان عربی- خدای خورشید مصریان- کم‌ذهن- یار مشهدی ■ ۵- شهر حضرت عبدالعظیم- یکی از شعب قدیمی نژاد هند و اروپایی- جناح لشکر ■ ۶- گردآوری و تألیف- نام پدر حضرت ابراهیم- پرنده خرامان در آب ■ ۷- سمت چپ- سومین پستاندار بزرگ خشکی‌زی- بی فایده ■ ۸- خشکی- روح و روان- دلواپس ■ ۹- رود رنگی- به کاری یا مقامی گماشتن- هاون ■ ۱۰- دانه خوشبو- مهار اسب- حیوان نقب‌زن ■ ۱۱- شهری در فرانسه- چنگک قصابی- ورودی خانه ■ ۱۲- رشد کردن- سوغات زلزله- علامت فعل استمراری- درد چشم ■ ۱۳- خراب و دورانداختنی- بچه چهار پایان- شهر مقدس بوداییان ■ ۱۴- وضوی دست شکسته- خرگوش- هوس باردار ■ ۱۵- لقب اسفندیار شاهنامه- از رؤسای جمهور اسبق فرانسه

از بالا به پایین

■ ۱- از تابلوهای نقاش برجسته کشورمان کمال الملک- کشور نیامی ■ ۲- صاحب کتاب الغدیر- بروت- گلی خوشبو ■ ۳- صفحه آرایی- اثر سوختگی- لقب امیرعلیشیر، وزیر سلطان حسین بایقرا ■ ۴- رقیق‌تر- نشانی پستی- از نت‌های موسیقی- پاک از گناه ■ ۵- جبون- وضعیت دشوار- نفس خسته ■ ۶- زوبین- متضاد سفلی- دسته پیستون ■ ۷- کشور مظلوم شبه جزیره عربستان- یکپارچگی- گاز مرداب ■ ۸- امتیازی در جودو- پسوند نگهدارنده- زمان یا مکان ملاقات ■ ۹- دستگاه توزیع برق در اتومبیل- زردپی- کالا و متاع ■ ۱۰- رادار- سخن‌چین- آش ■ ۱۱- حرف فاصله- از اسامی بانوان- الفبای نابینایان ■ ۱۲- درس خوانده- صوت درد- نبات- ضربه‌ای در تنیس ■ ۱۳- تارنما- پایتخت تیموریان- از نخست وزیران هند ■ ۱۴- سرگرد قدیمی- معجزه جاوید پیامبر (ص)- هماهنگ و همفکر ■ ۱۵- دانه میوه- از ورزش‌های سنگین

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۳			۸				۲
								۴
۱				۳	۶			
۸						۳	۹	
۷	۱	۶						
			۷	۴	۸			
				۵				
۶		۷				۸		
		۵				۷	۱	

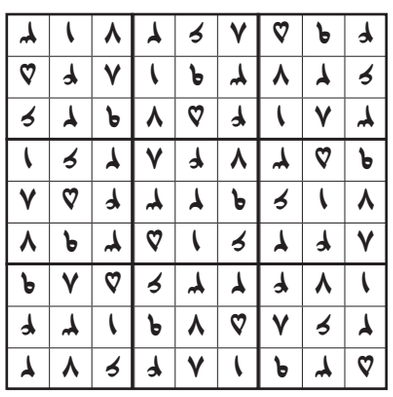

جدول کلمات متقاطع
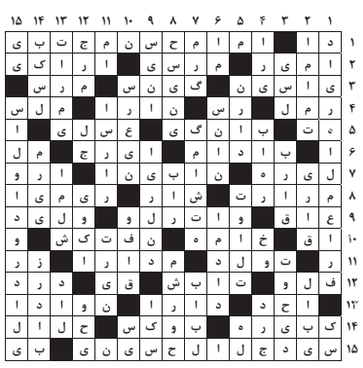
پاسخ جدول شماره ۵۶۵۷